



خواجه نصیرالدین طوسی انقلابی در فقه شیعه ایجاد کرد

مصطفی محقق داماد استاد دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه خواجه با طرح حجت خبر واحد انقلابی در فقه شیعه ایجاد کرد، گفت: خواجه این انقلاب را ایجاد کرد و با این حرکت اجتهاد شیعه را به حرکت درآورد.

مصطفی محقق داماد استاد دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه خواجه با طرح حجت خبر واحد انقلابی در فقه شیعه ایجاد کرد، گفت: خواجه این انقلاب را ایجاد کرد و با این حرکت اجتهاد شیعه را به حرکت درآورد. به گزارش خبرنگار مهر، همایش بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی عصر دوشنبه ۴ اسفند در سالن همایش های موسسه حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

در بخشی از این همایش دکتر مصطفی محقق داماد استاد دانشگاه شهید بهشتی سخن خود را بدین گونه آغاز کرد: هر کس از خواجه طوسی نامی شنیده باشد بلافاصله چند علم در ذهنش می آید که در درجه اول کلام است. به هر حال خواجه طوسی نظام دهنده کلام شیعه اثنی عشری با کتاب تجریدالاعتقاد و سایر رسالات است. باز در علوم انسانی و فلسفه عرفان، شرح بر اشارات در نمط نهم و در غیر علوم انسانی نیز نجوم و ریاضیات و ... خواجه بسیار توانا بوده است.

وی افزود: آنچه در اخلاق و فلسفه از خواجه صحبت نشده علم اصول فقه است که در دامن ادبیات اسلامی پرورانده شده است و مشهور است که بنیانش را شافعی مسلک گذاشته اند اما در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. واقعیت این است که با تدوین این دانش علمای شیعه مقداری با قواعدی از این اصول موضع گیری کردند و می توان منکر آن شد که شافعی آن را بنیان نهاده است. در حوزه فلسفه؛ الفاظ، حجت و تعارض ادله علمای شیعه مقابل اهل تسنن موضع گیری کردند که باید بگویم در بخش الفاظ اختلاف نظر نبود و آنچه محل اختلاف بود در بخش حجیت است و در منابع فقه، اختلاف عمیق وجود دارد.

وی ادامه داد: در تمام بخش ها علمای شیعه در مقابل علمای سنی موضع گیری کردند. اما آنچه شیعه و سنی را از هم جدا می کند همین بخش است که درباره منبع شریعت می گوید. اینکه منبع شریعت چیست؟ آیا ما حجیتی داریم یا خیر؟ غیر از قرآن و سنت هم حجیت است؟ آیا فقط قرآن و سنت می توانند حجت باشند؟ چه کسی ما را به سنت وصل می کند؟ آیا سنت هم می تواند حجت باشد؟ از اینها گذشته قرآن را چه کسی برای ما تفسیر می کند و چه کسی حق تفسیر دارد؟ سؤالاتی است که در این حوزه مطرح می شود. اگر قرآن و آیات نداشتیم و می خواستیم به سنت نبوی تمسک کنیم، چه کسی ما را به سنت نبوی متمسک می کرد؟ اینجا جایی است که شیعه و سنی مقابل هم ایستاده اند و مباحث ارزنده ای مطرح شده است.

وی در ادامه افزود: در روزهای نخستین، اهل سنت مشاهده کردند که در احادیث و منابع دست زیاد است بنابراین گفتند که هر ناقلی از پیغمبر (ص) حجت است، فقط باید بدانیم ناقل دروغگو نیست، بنابراین بیشتر روایاتی که در صحاح سته مطرح است، همین هاست، حرف های مضحکی که هیچ کس باور نمی کند این را پیغمبر (ص) گفته باشد! متأسفانه یک چهره ظالم، دروغگو، مال مردم خور، شهوتران و ... از ایشان ساخته شده بود و لای اخبار بود.

وی افزود: این جاست که شیعه و سنی در مقابل هم موضع گیری کرده اند و مباحث بسیار ارزشمندی ارائه شده است. در قرن هفتم علامه حلی اولین کسی است که او را شیخ الطائفه خوانده اند. این مرد اجتهاد شیعه را اجتهاد پویا می خواند. هم در مبحث الفاظ و منابع فقه با حجیت خبر واحد، حجیت نکرده است. اخبار بسیاری در این زمان برای ما نقل شده اند که اکثرشان کذب است.

وی در ادامه با اشاره به اینکه در بعد از خواجه دو عالم شیعی از جمله علم الهدی بود که برای اولین بار مطرح کردند که اخباری می توانند برای ما حجیت داشته باشند که تعداد کثیری آن را به تواتر نقل کرده باشند. حال توجه کنید اگر کسانی معتقد باشند که فقط قرآن و برخی از احادیث و روایات می توانند برای ما حجت باشند که به صورت تواتر نقل شده باشند در آن صورت دینی حداقلی برای ما ایجاد می شود و این امر تا قرن چهارم ادامه داشت تا فقیه ایرانی شیعه انقلابی را بوجود آورد. این فقیه کسی نبود جز شیخ طوسی که در ابتدا به شیخ طائفه معروف شد. وی با مطرح کردن حجت خبر واحد این انقلاب را ایجاد کرد و با این حرکت اجتهاد شیعه را به حرکت درآورد.

محقق داماد گفت: اسم فقه آن را المبسوط نام گذاری کرد و دلیل گسترش این فقه منبع آن بود که توانست گسترش بیابد. تا صد سال هیچ کس به میدان نقد او نیامد و همه مقلد او بودند. اما ایشان شاگردانی در نجف تربیت می کند و این شاگردان در چند حوزه در اطراف ایجاد می کنند و چند شعبه شدند؛ یک حوزه در حلب تشکیل شد و یکی در حله اما همه این حوزه ها به لحاظ فکری با هم یکی نبودند، حلب نقاد شیخ طوسی است اما حوزه حله اول نقاد و بعد سکوت اختیار می کند، ابن ادریس حلی نتیجه شیخ طوسی است تمام حرف های جدش را نقادی کرده است، حتی عباراتی دارد که باور نمی کنیم از اوست.

محقق داماد درباره حوزه حلب گفت: سید ابوالکرام بن زهره کسی است که در حوزه حلب فعال بوده و ۱۰ سالی از نظر مرگ با ابن ادریس فاصله داشته، او فقط یک جا خواجه را نقد کرده و آن هم در مسئله حجیت خبر واحد است! محقق حلی و علامه حلی بعد از ابن زهره، طرفدار خواجه نصیر شدند و این اتفاق در حوزه حله هم رخ داد، دو نسخه کتاب ابن زهره در ایران موجود است که یک نسخه از سرمایه های ایران در مجلس شورای اسلامی است.

وی در پایان با اشاره به اینکه شیخ تحت تاثیر ابن زهره نوه خود بوده است گفت: شاگرد او در مبحث خبر واحد نوشته که خواجه به خط خود در حاشیه کتاب او نوشته به نظر من خبر واحد نه برای انسان عمل، علم و نه اثر و اعتبار دارد و نه از نظر شریعت اعتبار دارد! امروزه نا بسیاری از چیزهایی را که ایراد می گیرند و به ما ایراد است مستندشان خبر واحد است همچنین بیشتر مباحثی که در اولویت حقوق بشر داریم مطرح می کنیم و فتوا می دهیم! همان ها که در منابع اهل سنت است و منبع اشکال بر پیغمبر (ص) شده است. همه از خبر واحد است و در کل ماباید یک بازخوانی بکنیم که بزرگانمان مانند شیخ طوسی چه کرده اند و آنها را الگوی خویش کنیم.